

## واقعه غدیر در آینه اشعار سیدحمیری

مهین حاجی‌زاده\*

### چکیده

شعر و ادبیات هر قوم آینه افکار، باورها، و گرایش‌های آن است. نماد تفکر، اعتقادات، و فرهنگ مکتبی شیعه نیز در آینه ادبیات آیینی شاعران ولایی شیعی متجلی است. از آنجا که غدیر نماد تشیع است، چندان هم گزافه نیست اگر شعر غدیر را با شعر شیعی هم‌خانواده و هم‌سو به‌شمار آوریم. چراکه شعر شیعی نشئت گرفته از باورهای ناب معتقدان به ولایت علوی است و آبراهه زلال و پایان‌ناپذیر آن غدیر خم است. در میان وقایع اسلام، تنها واقعه غدیر است که از همان لحظات وقوع، قطعه شعری به‌مثابه سند دائمی ضمیمه آن است. شعر باوزن و قافیۀ آن مدرک ماندگاری در پرونده غدیر است که سینه‌به‌سینه حفظ شده و با توجه به اهمیت ادبی آن در کتاب‌ها ثبت شده است. ادبیات عرب نیز، که بعد از اسلام، راهی دراز پیموده و پانزده قرن فراز و نشیب‌ها را پشت سر گذاشته است، خطوط روشنی را در خلال مضامین شعری خود نشان می‌دهد. یکی از این خطوط روشن، توجه به واقعه غدیر است که در شعر اکثر شاعران عرب متجلی است. سیدحمیری یکی از شعرای بزرگ اهل بیت است که درباره غدیر اشعار بسیاری دارد. وی با بهره‌گیری از ذوق و قریحه ناب خود، چکامه‌های زیبا و ماندگاری در توصیف مقام شامخ و فضایل اخلاقی امام علی (ع) و به‌ویژه واقعه غدیر خم از خود به یادگار گذاشته است. این شاعر مشهور شیعی با بیت اشعار خود، حقانیت علی و خاندانش را یادآوری کرده و منکران آفتاب آسمان ولایت را به زانو درآورده است. مقاله حاضر بر آن است تا این رویداد عظیم تاریخی (غدیر خم) را در خلال اشعار سیدحمیری به‌تصویر کشد.

**کلیدواژه‌ها:** غدیر خم، علی (ع)، ادبیات عربی، شعر شیعی، سیدحمیری.

\* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان hajizadeh\_tma@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۸/۲۵

## مقدمه

سراسر حیات طیبۀ رسول اکرم (ص) و لحظه به لحظه آن نزد مسلمانان اهمیتی بس شگرف و والا دارد؛ چراکه نه تنها کلام رسول اکرم به نص صریح آیات قرآن، عاری از هرگونه هوا و هوس و متصل به سرچشمه وحی است، بلکه عمل آن بزرگوار نیز بر تک تک مسلمانان حجت است و صراط مستقیم را به عالمیان می‌نماید. اما در این میان، مقاطعی خاص از زندگی آن بزرگوار، به جهات گوناگون از اهمیتی ویژه برخوردار است که یکی از بارزترین آن‌ها، واقعه غدیر خم است.

از منظری دیگر، آن چه بر گونه غدیر رنگ جاودانگی می‌زند و اهمیت این واقعه را مضاعف می‌سازد نزول آیات ۳ و ۶۷ سوره مائده در ارتباط با این رویداد بزرگ است. طبق نظر مفسران نام‌آور شیعه و سنی، شأن نزول این آیات مربوط به واقعه غدیر خم است. با مقایسه مفاد این آیات و لحن آن‌ها با سایر آیات قرآن کریم درمی‌یابیم که، اگر نگوییم چنین آهنگ کلامی در میان سایر آیات بی‌نظیر است، دست کم، کم‌تر آیه‌ای را می‌توان یافت که مضامین و لحنی شبیه به این دو آیه داشته باشد.

در گذر قرون و اعصار، رویداد پرافتخار غدیر از موضوع‌هایی است که شاعران و سرایندگان اندیشمند و چیره‌دست، از مذاهب گوناگون درباره آن قصیده‌هایی زیبا و دل‌انگیز سروده‌اند. این اشعار همواره زینت بخش نشست‌های دینی، فرهنگی، و اخلاقی بوده است و دوست‌داران امامت و ولایت غدیر را هر بامداد و شامگاه زمزمه کرده‌اند و بدان مترنم شده‌اند. در طی تاریخ نیز، در کنار اسناد و مدارک حدیثی و تاریخی، شعر غدیر، که شعرای قرن‌های گوناگون سروده‌اند، در حفظ این ماجرا اثر بسزایی داشته است. در طول چهارده قرن مسئله غدیر نه فقط در اشعار عربی، بلکه در اشعار فارسی، ترکی، اردو، و بسیاری از زبان‌ها به نظم کشیده شده است.

عالم محقق، آیت‌الله علامه عبدالحسین امینی (۱۳۲۰-۱۳۹۰ق)، در کتاب ارزش‌مند *الغدیر*، به ادبیات عرب با تکیه بر واقعه غدیر نگرسته و یافته‌های پژوهش خود را در این کتاب ثبت کرده است. نویسنده کتاب *الغدیر* بارها اشاره می‌کند که در خلال منابع و آثار اسلامی، اشعاری از شاعران قرن‌های گذشته درمورد غدیر یافته است که به‌علت این‌که شاعر گمنام بوده یا شرح حالی از او نیافته، شعر او را نقل نکرده است. از این جمله برمی‌آید که تعداد شاعران غدیر بیش از آن است که در این کتاب یاد شده است.

اولین قدم در این زمینه را حسان بن ثابت، شاعر زبردست عرب، برداشت که با اجازه

پیامبر (ص) لحظاتی پس از خطابه آن حضرت اشعاری را که درباره غدیر سروده بود، در حضور مردم خواند. عده‌ای از علمای بزرگ نیز که قریحه شعری داشته‌اند، اشعار رسایی درباره غدیر سروده‌اند که از جمله آنان می‌توان به قیس بن سعد انصاری، شریف رضی، سیدمرتضی، قطب راوندی، حافظ برسی، شیخ کفعمی، شیخ بهایی، شیخ کرکی، شیخ حر عاملی، سیدعلی خان مدنی، و آیت‌الله کمپانی اشاره کرد. شعرای زبردستی چون دعبل خزاعی، ابن رومی، وامق نصرانی، حمانی، تنوخی، ابوفراس حمدانی، بشنوی کردی، کشاجم، ناشی صغیر، صاحب بن عباد، مهیار دیلمی، ابوالعلاء معری، اقساسی، ابن عرندس، ابن عودی، ابن داغر حلّی، بولس سلامه مسیحی، و زین‌الدین حمیدی در زمره دیگر شاعرانی هستند که درباره غدیر شعر سروده‌اند.

از برجسته‌ترین این شاعران، سید حمیری، شاعر بلندآوازه قرن دوم هجری، است که «خوان پربرکش همه‌جا گسترده و باد صبا بوی عطرآگین معرفتش را همه‌جا پراکنده بود. چنان شیفته امام علی (ع) بود که مانند شمع، سوز دل و اشک روان داشت و همیشه مشتاقان ولایت و محبت حضرت علی (ع) بر خوان پربرکش لقمه‌های نور می‌خوردند و برای دوستان به ارمغان می‌بردند. او کلام مقدس را در قالب نظم دل‌پذیرش همه‌جا می‌برد و دل‌های پاک را حیات طیبه می‌داد» (موحد، ۱۳۸۴: ۳). او فقط شاعر نبود، بلکه محدثی بود که به نشر نور می‌پرداخت و با شعر هدف‌دار خویش به انتشار فضایل و مناقب امام علی (ع)، آن عدالت‌مظلوم و امام معصوم، نور بیش‌تر می‌بخشید و فرات فضیلت‌ها را تا فراسوی فردها گسترش می‌داد و در این سیر و سلوک روحانی به ملامت هیچ ملامت‌گری اعتنا نمی‌کرد. این جستار، با روشی توصیفی، سعی دارد تا جایگاه غدیر را در اشعار سیدحمیری بررسی کند. ابتدا، نگاهی گذرا به زندگی‌نامه شاعر می‌اندازیم، سپس به‌اختصار ویژگی‌های شعری و مقام شاعری او را بررسی می‌کنیم و در ادامه با ارائه نمونه‌هایی از اشعار شاعر، این واقعه بزرگ تاریخی را به‌تصویر می‌کشیم.

## ۱. زندگی‌نامه سیدحمیری

ابوهاشم یا ابوعامر سیداسماعیل، فرزند محمد بن یزید بن ربیع حمیری، مشهورترین شاعر شیعه عرب، در ۱۰۵ ق در عمان، که امروز پایتخت اردن است، به دنیا آمد. تولد او در زمان امام باقر (ع) بوده و زمان امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) را درک کرده است. نسب او به قبیله حمیر می‌رسد که در اصل یمنی بودند و در شام سکونت داشتند. او از سادات و

هاشمیان نبود و سید جزء نام او بود. جد پدری یا مادری او یزیدبن زیاد، معروف به ابن مفرغ، شاعری بزرگ بود. به گفته طه حسین «پدر و مادر سید از خوارج و اباضی مذهب، یعنی دشمن علی (ع)، بودند و هر روز بعد از نماز صبح حضرت را سب و دشنام می دادند، باین حال، او از جوانی به تشیع گرایید و طبع خدادادی اش را در سرودن مدایح اهل بیت، مخصوصاً بیان مناقب امیرالمؤمنین به کار انداخت و شاید شیعیان علوی شاعری هم چون سیدحمیری را در کل حیات سیاسی شان ندیده اند» (حسین، ۱۹۸۲: ۳۱۳/۲). پدر و مادرش اصرار داشتند که به مذهب خوارج برگردد. خود سید در این باره می گوید: «در خردسالی و نوجوانی همواره شاهد سب امیرالمؤمنین توسط پدر و مادرم بودم و برای اجتناب از رویارویی با چنین صحنه‌هایی از خانه بیرون می رفتم و در مساجد می ماندم و تحمل گرسنگی را بر بازگشت به خانه ترجیح می دادم تا این که قدری بزرگ تر شدم و به سرودن شعر پرداختم» (مرزبانی، ۱۴۱۳: ۱۵۴).

سیدحمیری به حسب ارادت و اخلاص به دستگاه اهل بیت عصمت و طهارت، از جانب ایشان افتخار خدمت‌گزاری آستان مقدسشان را یافته است و بدین سبب او را سیدالشعراء نامیده‌اند، همان‌طور که امام صادق (ع) به سیدحمیری فرمود: «سمتک أمک سیداً، وقفت فی ذلک وأنت سید الشعراء؛ مادرت تو را سید نامید و تو شایسته چنین نامی هستی آری، تو سید شعرایی» (امینی، بی تا: ۲/۲۳۲).

## ۲. تجلی فضایل علی (ع) در اشعار سیدحمیری

سیدحمیری طبعی روان داشت و در کثرت اشعار آن چنان ممتاز بود که ابوالفرج اصفهانی می گوید:

پرشعرتین شاعران از جاهلیت تا اسلام سه نفر بودند که سیداسماعیل یکی از آنان بود. اسماعیل حمیری از قرآن، حدیث و فقه، تاریخ اسلام و سیره رسول خدا و علی (ع) و ائمه اطهار اطلاع کافی داشت و تقریباً تمامی احادیثی را که در مناقب علی (ع) و نکوهش مخالفان اوست، در اشعار خود گنجانده است. او دلایل خلافت و ولایت امام علی (ع) و اثبات عقاید شیعه و ابطال حرف‌های مخالفان و غاصبان حقوق اهل بیت پیامبر (ص) را با زبانی تند آمیخته و با توکی و تبری صحیح بیان کرده است. او در اشعارش بنی امیه را مذمت کرده است و مدّاح بنی هاشم و مدافع بنی عباس و خلفای آنان بود. از این رو، از آسیب متعصبان اهل سنت در امان بود و رهبران شیعه و امرا و خلفای عباسی هم از او تقدیر و طرف‌داری کرده‌اند (اصفهانی، بی تا: ۷/۲۳۱).

از خصایص سیدحمیری، شیفتگی‌اش به اهل بیت بود تا جایی که دوست نداشت غیر از ذکر نام ایشان کلامی بشنود. ابن معتر در کتاب *طبقات* می‌گوید:

سید تواناترین افراد در به‌شعردرآوردن احادیث، اخبار، و مناقب بود و فضیلتی از علی بن ابی‌طالب (ع) نبود که آن را به شعر درنیاورده باشد. وی از حضور در انجمنی که در آن از خاندان محمد (ص) سخن به‌میان نمی‌آمد، رنج می‌برد و با محفلی که از یاد آنان خالی بود، انسی نداشت (ابن معتر، ۲۰۰۲: ۶۵).

او با طبع لطیفی که داشت، ماهرترین مردم و آگاه‌ترینشان به ارائه مناقب اهل بیت بود و هرگونه فضایی که از امیرالمؤمنین (ع) می‌شنید، در شعرش ثبت می‌کرد و به رشته نظم می‌کشید. در این باره می‌گوید:

أیا رب إنسی لم أرد بالذی به مدحت علیا غیر وجهک، فارحم

(اللکهنوی، ۲۰۰۸: ۹)

یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین موضوعات اشعار سیدحمیری، شرح فضایل امام علی (ع) است. مثلاً، شاعر این سخن پیامبر اکرم (ص) را درباره علم علی (ع) که فرموده: «أنا مدینة العلم و علی بابها فمن أراد العلم فلیأت بابه» (ابن اثیر، بی‌تا: ۴/۲۲) این‌گونه به‌نظم درمی‌آورد:

من کان باب مدینة العلم الذی ذکر النزول و فسر الأنبیاء  
من کان أخطیهم و أنظهم و من قد کان یشفی قوله البرحاء

(حمیری، بی‌تا: ۵۸)

در این ابیات، با اشاره به حدیث پیامبر، از صنعت تلمیح استفاده شده است و واژه‌ها آن‌قدر ساده، اما با بار معنایی زیاد در کنار هم قرار دارد که ذهن خواننده را از هرگونه ابهامی حفظ می‌کند. سیدحمیری در بیت دوم از این ابیات، امام علی را سخنورترین افراد معرفی می‌کند و *نهج‌البلاغه* بهترین شاهد بر این حرف سید است؛ زیرا حضرت علی (ع) صاحب بلاغت جاهلی و سحر بیان نبوی بود به‌گونه‌ای که برخی معتقدند کلامش پایین‌تر از کلام خدا و بالاتر از کلام مخلوق است و جای شگفتی نیست که در سخن امام علی (ع) همه آن‌چه از علوم برای اهل بلاغت لازم است، جمع شده باشد.

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته امام علی (ع) شجاعت بی‌نظیر او در مواضع مختلف بود که سیدحمیری در ابیات متعددی آن را به‌تصویر کشیده است، از جمله:

من کان أول من أباد بسيفه      کفار بدر و استباح دماء  
 من ذاک نوّه جبرئیل باسمه      فی یوم بدر یسمعون نداء  
 لا سيف إلا ذوالفقار و لافتی      إلا علی رفعة و علاء

(همان: ۵۴)

این ابیات اشاره به جنگ بدر دارد که نقل شده است امام علی (ع) در آن ۲۷ نفر از سربازان دشمن را به قتل رساند، درحالی که مجموع کشته شدگان در این جنگ هفتاد نفر بودند. امام علی (ع) با دلاوری شگفت‌انگیزی، پیروزی نهایی را به دست آورد و سرود معروف جبرئیل طنین انداخت که فرمود: «لا سيف إلا ذوالفقار و لافتی إلا علی» (قمی، بی تا: ۲/ ۳۸۰). سیدحمیری در بیت اول از صنعت تلمیح و در بیت آخر از صنعت تضمین استفاده کرده است.

شاعر هم‌چنین در ابیات متعددی، عدالت امام را به بهترین و زیباترین شکل به تصویر می‌کشد:

و قوله المیزان بالقسط و ما      غیر علی فی غد میزانه  
 ویل لمن خفّ لדיه وزنه      و فوز من أسعده رجحانه

(حمیری، بی تا: ۴۱۳)

حمیری عدالت امام را تاحدی می‌داند که او را در قیامت قاضی و داور اعمال انسان‌ها معرفی می‌کند، یعنی اعمال انسان‌ها در روز قیامت با عدالت علی (ع) محاسبه می‌شود؛ زیرا او ترازوی عدالت است و سخن او سخن حق و عدالت است تاجایی که خداوند او را حجت امت رسول خود قرار می‌دهد.  
 هم‌چنین در مورد کرم امام می‌گوید:

وأعتق من یدیه ألف نفس      فاضحوا بعد رقّ معتقینا

(همان: ۴۳۴)

این بیت از سیدحمیری تلمیح به روایتی است که امام صادق فرمود: «همانا امیرالمؤمنین هزار نفر را با دست‌رنج و کد یمین خود آزاد کرده است» (ابن شهر آشوب، بی تا: ۲/ ۱۲۳).

حمیری ایمان بی‌بدیل امام علی (ع) را نیز این‌گونه به نظم درمی‌آورد:

أليس على كان أول مؤمن      و أول من صلی غلاماً وحدا  
فما زال في سرّ، يروح و يعتدى      فيرقى بثور أو حراء مصعدا  
يصلّي و يدعو ربّه فهما به      مع المصطفى مثني و إن كان أوحدا

(حمیری، بی‌تا: ۱۶۶)

شاعر در این ابیات با اسلوب استفهام انکاری اشاره می‌کند که اولین ایمان‌آورنده به رسول خدا امیرالمؤمنین (ع) بود. او با این که نوجوانی بیش نبود، یگانگی خداوند را پذیرفت و نماز به‌جا آورد. بیت دوم به عبادت پیامبر در کوه ثور یا حراء اشاره دارد که امیرالمؤمنین نیز همراه پیامبر در آن‌جا به عبادت خداوند مشغول می‌شد.

### ۳. واقعه غدیر در آئینه اشعار سیدحمیری

«غدیر خم» و «ولایت علوی» سرچشمه جوشش شعر شیعی و پدیدآمدن غدیریه‌های ماندگار است، اما در نگاهی وسیع‌تر، آن‌چه به مقوله‌هایی هم‌چون: اهل بیت، ولایت ائمه، محبت ذوی‌القربی، امامت علی ابن ابی‌طالب، فضایل و مناقب خاندان عصمت و مدایح و مراثی عترت پیامبر مرتبط باشد، به‌نوعی شعر شیعی محسوب می‌شود و این درون‌مایه‌ها به‌گسترده‌گی در ادبیات شیعه مطرح است. از آن‌جا که امامت امیرالمؤمنین (ع) نشان کمال دین و ارائه‌الگوی شایسته برای هدایت جامعه است، شاعران شیعی نیز همین جوهره ناب را در سروده‌های آئینی خویش بر محور ولایت مطرح کرده‌اند و فرهنگ غنی شعر شیعی را بنیاد نهاده‌اند. شعر شیعی هم مدیحه دارد هم مرثیه و حماسه، اما بارزترین شاخصه شعر شیعی پرداختن به مسئله امامت اهل بیت و هدایت‌گری خاندان عصمت و احیای یاد و نام آنان و بیان فضایل مکارمشان و بازگوکردن مظلومیت‌هاشان و افشای جنایات ظالمان به خاندان پاک حضرت رسول (ص) است. از این رو، در آئینه شعر شیعی و در رواق ادبیات ولایی و آئینی، تصویری از پاکی‌ها و فضیلت‌ها، مبارزات حق‌طلبانه، مظلومیت عترت، جلوه‌های حماسه عاشورا، و فرهنگ غدیر دیده می‌شود.

سیدحمیری از شعرای بزرگی است که در مورد غدیر اشعار بسیاری دارد. در دیوان او کم‌تر قصیده یا قطعه‌ای پیدا می‌شود که به غدیر خم و مسئله ولایت امام علی (ع) اشاره‌ای نکرده باشد. علامه امینی بیش از بیست غدیریه را در کتاب *الغدیر* آورده است که سیدحمیری در آن‌ها با صراحت تمام از غدیر می‌گوید و روز اکمال دین و اتمام نعمت و

کمال اسلام را بزرگ می‌دارد. او با شعر غدیر فقط واقعه را تصویر نمی‌کند، بلکه به تفسیر معرفت و تبیین حقیقت می‌پردازد. سیدحمیری در بیان واقعه غدیر از خدا و پیامبر و امام علی سخن می‌گوید، و شعرش زبان گویای حقیقت در مجرای زمان می‌شود. اکنون به برخی از چکامه‌های او اشاره می‌کنیم:

لقد سمعوا مقاتله بضمّ	غداة يضّمهم و هو الغدير
فمن أولى بكم منكم فقالوا	مقالة واحد و هم الكثير
جميعاً أنت مولانا و أولى	بنا منا و أنت لنا نذير
فقال لهم علانية جهاراً	مقالة ناصح و هم حضور
فان وليكم بعدى على	و مولاكم هو الهادي الوزير
وزيري في الحياة و عند موتي	و من بعدى الخليفة و الأمير
فوال الله من والاه منكم	و قابله لدى الموت السرور
و عاد الله من عاداه منكم	و حلّ به لدى الموت التشور

(همان: ۱۹۸)

در این ابیات سیدحمیری با اسلوب قصه یا حکایت ولایت امیرالمؤمنین (ع) را درضمن حادثه غدیر به تصویر می‌کشد. او در بیت دوم این قصیده از صنعت تجاهل‌العارف برای مبالغه در مدح امام علی و اعلام صلاحیت ایشان برای ولایت استفاده کرده است، بدین شکل که پیامبر از مردم می‌پرسد: چه کسی از من نسبت به شما برای ولایت و سرپرستی‌تان شایسته‌تر است؟ همگی پاسخ دادند: تو ای رسول خدا! و با این پاسخشان پیامبر ولایت بعد از خود را به امیرالمؤمنین محول می‌کند. وی هم‌چنین در دو بیت آخر با استفاده از صنعت تلمیح به این حدیث از پیامبر اشاره می‌کند: «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۲/۴). درواقع، سیدحمیری در بیان همه موضوعات مربوط به فضایل امام علی استادانه و با ظرافت از احادیث و روایات استمداد می‌طلبد و اشعار خود را با مزین‌ساختن به احادیث اهل بیت دل‌نشین‌تر می‌سازد.

مشابه همین مضمون در جای‌جای دیوان این شاعر شیعی به چشم می‌خورد:

يا بائع الدين بدنيه	ليس بهذا أمر الله
من أين أبغضت علي الوصي	و أحمد قد كان يرضاه
من الذي أحمد من بينهم	يوم غدیر الخم ناداه



أقامه من بین أصحابه و هم حوالیه فسماه  
هذا علی بن اُبی طالب مولى لمن قد كنت مولاه  
فوال من والاه یا ذا العلا و عاد من قد كان عاداه

(حمیری، بی تا: ۱۴۶)

در ابیات فوق، حمیری ضمن سرزنش کسانی که منکر ولایت علی (ع) هستند، واقعه غدیر و بالابردن دست علی (ع) را توسط پیامبر یادآوری کرده است و به حدیث معروف «من كنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۱۱۲) اشاره می کند. آیات قرآن، چه به الفاظ و چه به معانی، حضور بارزی در اشعار این شاعر اهل بیت داشته است، به گونه ای که معانی و الفاظ قرآن کریم همواره بر زبان این شاعر جاری بود. او با به کارگیری مضامین و الفاظ قرآن در آثارش به اشعار خویش جلالت و فخامت بخشیده و به شکل های گوناگون از قرآن اقتباس کرده است. حمیری در ابیات زیر با استناد به قرآن کریم به واقعه غدیر و اعلام امامت علی (ع) اشاره کرده است و چنین می سراید:

ألم یسمعوا یوم الغدیر مقاله یؤمر خیر الناس عوداً و معتصر  
یقول ألا هذا ابن عمی و وارثی و أول من صلی و أول من نصر  
ولیکم بعدی فوالوا ولیه و کونوا لمن عادی عدواً لمن کفر

(حمیری، بی تا: ۲۵۴)

در ابیات فوق، سیدحمیری یکی از دلایل ولایت امام علی (ع) را سبقت ایشان در ایمان به خدا، اقامه نماز، و یاری و نصرت پیامبر (ص) در مواضع گوناگون اعلام می کند که آیات ۱۰-۱۲ سوره واقعه «و السابقون السابقون أولئک المقربون فی جنات النعیم» تأییدی است بر این مطلب. در تفسیر این آیات از پیامبر آمده است که فرمود: «قال لی جبرئیل: ذلک علی و شیعتنه» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۵/۲۵۳).

حمیری با ابیاتی دیگر، ولایت امیرالمؤمنین (ع) را این گونه به نظم درمی آورد:

قال إن الله قد خبرنی فی معاریض الكتاب المنزل  
إنه أكمل دیناً قیماً بعلی بعد ان لم یکمل  
وهو مولاکم فویل للذی یتولّی غیر مولاه الولی

(حمیری، بی تا: ۳۴۰)

شاعر در این ابیات برای اثبات ولایت امیرالمؤمنین (ع) به این آیه استناد می‌کند: «الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دینا» (مائده: ۳). وی در این ابیات نیز صنعت تلمیح را به کار برده است و در بیت آخر با کاربرد کلماتی هم‌چون «مولی»، «یتولی»، «ولی»، که با هم جناس دارند، کلام خود را زیباتر ساخته است. مضامین بلند و عمیق سخنان پیامبر اکرم (ص) نیز همواره الهام‌بخش شاعر در سرودن این‌گونه ابیات بوده است:

کأن له أخاً و امین غیب	علی الوحی المنزل حین یوحی
و کان لأحمد الهادی وزیراً	کما هارون کان وزیر موسی
وصی محمد و أبوبنیه	و أول ساجد لله صلی

(حمیری، بی تا: ۶۳)

سیدحمیری در ابیات فوق به این سخن پیامبر اشاره دارد که در مورد امام علی (ع) فرمود: «أنت منی بمنزلة هارون من موسی إلا انه لا نبی بعدی» (ابن شهر آشوب، بی تا: ۱۶/۳؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۱۰۶/۸). این سخن پیامبر، علاوه بر این که نشان‌دهنده اخوت بین ایشان و امام است، به خلافت و وصایت امام علی (ع) نیز اشاره می‌کند.

ابیات زیر نیز برگرفته از همین حدیث شریف است:

علی أحب الناس إلا محمداً	إلی فدعنی من ملامک أو لم
علی وصی المصطفی و ابن عمه	و أول من صلی و وخذ فاعلم
و کان کهارون بن عمران عنده	من المصطفی موسی النجیب المکّم
و أوجب يوماً بالغدير ولاءه	علی کل برّ من فصیح و أعجم
لدى دوح خم أخذاً بیمنه	ینادی میناً باسمه لم یجمجم
أما و الذی یهوی إلی رکن بیته	بشعث النواصی کل و جناء عیهم
یوافقین بالركبان من کل بلدة	لقد ضل یوم الدوح من لم یسلم
و أوصی إلیه یوم ولى بأمره	و میراث علم من عری الدین محکم

(حمیری، بی تا: ۱۶۸)

حافظ مرزبانی در اخبار السید گفته است:

سیدحمیری نسخه‌ای از این قصیده را برای عبدالله اباض، رهبر اباضیه، فرستاد؛ زیرا به وی

خبر داده بودند که عبدالله امام علی (ع) را نکوهش و سید را به جهت زمینه‌سازی قتلش به دست منصور تهدید کرده است. چون قصیده به دست پسر اباض رسید، سخت خشمناک شد و یاران خود را به جمع‌آوری فقها و قراء فرستاد. آنان گرد آمدند و به نزد منصور، که در کنار دجله بصره بود، رفتند و گزارش کار سید را به او دادند. منصور آنان و سید را احضار کرد و از دعوی آنان پرسید. گفتند: سید گذشتگان را دشنام می‌دهد و عقیده به رجعت دارد و امامت را از آن تو و خاندانت نمی‌داند. منصور گفت: مرا واگذارید و به آنچه در مورد خودتان است، بسنده کنید. سپس روی به سید کرد و گفت: درباره آنچه اینان گفتند، چه می‌گویی؟ گفت: من کسی را دشنام نمی‌دهم و بر اصحاب رسول (ص) رحمت می‌فرستم. اینک، این ابن اباض است، به او بگو: بر علی و عثمان و طلحه و زبیر رحمت فرستد. منصور به ابن اباض گفت: بر اینان درود بفرست. او ساعتی درنگ کرد، و منصور با چوب‌دستی که پیش رویش نهاده بود، او را زد و بیرون کرد و دستور داد به زندانش برند و سرانجام در زندان مرد. هم‌چنین منصور فرمان داد همه همراهان او را تازیانه زند و پانصد هزار درهم به سید دهند (مرزیانی، ۱۹۶۵: ۱۷۲-۱۷۳).

در ابیات زیر نیز شاعر برای اشاره به واقعه غدیر با صراحت به آیه تبلیغ استناد کرده است: «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالته واللّه یعصمک من الناس إن اللّه لا یهدی القوم الکافرین» (مانده: ۶۷). این آیه درباره فضیلت علی ابن ابی طالب (ع) نازل شده است و چون این آیه نازل شد، پیامبر دست علی (ع) را گرفت و فرمود:

هرکه من مولای اویم، این علی مولای اوست، خدایا هرکه او را دوست می‌دارد، دوست بدار و هرکه او را دشمن می‌دارد، دشمن شمار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۲/۴).

حمیری این واقعه را این‌گونه به‌نظم درآورده است:

نفسی فداء رسول الله یوم أتى	جبریل یأمر بالتبلیغ إعلانا
إن لم تبّلع فما بلغت فانصب	النبی ممتلاً أمراً لمن دانا
وقال للناس من مولاکم قبلا	یوم الغدیر فقالوا أنت مولانا
أنت الرسول و نحن الشاهدون علی	أن قد نصحت و قد بینت تبیاناً
هذا ولیکم بعدی أمرت به	حتماً فکونوا له حزباً و أعواناً
هذا أبرکم برّاً و أکثرکم	علماً و أولکم بالله إیماناً
هذا له قربة منی و منزلة	کانت لهارون من موسی بن عمراناً

(حمیری، بی تا: ۱۰۹)

وی در جای دیگر همین مضمون را این گونه به تصویر می کشد:

أتسى جبرئیل و النبى بضحوه	فقال أقم و الناس فى الوخد تمحن
و بلّغ و إلا لم تبلّغ رساله	فحطّ و حطّ الناس ثم و وطنوا
على شجرات فى الغدير تقادمت	فقام على رحل ینادی و یعلن
و قال ألا من كنت مولاه منكم	فمولاه من بعدى على فأذعنوا

(همان: ۱۰۶)

شاعر در ابیات زیر نیز مضمون فوق را با استناد به آیه ۷ سوره رعد، «إنما أنت منذر و لكل قوم هاد»، آورده است. معصومین (ع) در تفسیر این آیه، مصداق «منذر» را رسول خدا و مصداق «هاد» را امام علی (ع) معرفی کرده اند (قمی، ۱۳۶۷: ۱ / ۳۶۰).

و یختمّ اذ قال إلا له بعزمه	قم یا محمد فى البریه فاخطب
و انصبّ أبا حسن لقومک إنه	هاد و ما بلغت إن لم تنصب
فدعاه ثم دعاهم فأقامه	لهم فبین مصدق و مکذب
جعل الولاية بعده لمهذب	ما کان يجعلها لغير مهذب

(حمیری، بی تا: ۱۴۳)

این قصیده ۱۱۲ بیت دارد و مُنْهَبَه نامیده می شود. سید و بزرگ شیعه، شریف مرتضی، آن را شرح کرده و در ۱۳۱۳ق در مصر چاپ شده است. وی در شرح بیت «و انصبّ أبا حسن لقومک إنه / هاد و ما بلغت إن لم تنصب» گفته است که این لفظ، یعنی لفظ (نصب) که در بیت بالا آمده است، جز در مورد امامت و خلافت شایسته استعمال نیست و نیز این سخن شاعر که می گوید: «جعل الولاية بعده لمهذب» در امامت صراحت دارد، زیرا آنچه پس از پیغمبر به علی واگذار شده است، امامت است که محبت و نصرت در حال حاضر حاصل بوده و اختصاص به پس از وفات ندارد (امینی، بی تا: ۲ / ۲۱۴).

سیدحمیری در غدیریه ای پدرش محمد بن یزید را به مذهب تشیع و ولایت امام علی (ع) دعوت می کند و می گوید:

خف یا محمد فائق الإصباح	و أزل فساد السدين بالإصلاح
أتسبّ صنو محمد و وصیه	ترجو بذاک الفوز بالإنجاح

منک العذاب و قابض الأرواح	هیئات قد بعدا علیک و قربا
یوم الغدیر بأین الإفصاح	أوصی النبی له بخیر وصیة
مولاه قول إشاعة و صراح	من کنت مولاه فهذا و اعلموا
قد کنت أرشد من هدی و فلاح	قاضی الدیون و مرشد لکم کما

(همان: ۳۱)

حضرت نبی اکرم (ص) بعد از ابلاغ رسالت خطیر ولایت امام علی (ع)، رو به آسمان کرد و دیدگان مبارکش آسمانی شد و در حضور خالق یکتا در حق علی و محبان او دعا و دشمنان او را لعن و نفرین کرد و خدای را حمد و سپاس گزارد برای منت عظیمی که بر ایشان نهاد تا این امر مهم را تمام و کمال تبیین و ابلاغ کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹/ ۲۶۱).

حمیری در ابیات زیر به حدیث نبوی «أصحابی کالنجوم بأیهم اقتدیتم اهتدیتم» (النباطی، ۱۳۸۴: ۳/ ۱۴۶) استناد کرده است و چنین می‌سراید:

سلام کلما سجع الحمام	علی آل الرسول و أقریبه
و هم أعلام عز لا یرام	أیسوا فی السماء و هم نجوم
أمیرالمؤمنین هو الإمام	فیا من قد تحیر فی ضلال
أناف به و قد حضر الأنام	رسول الله یوم غدیر خم

(حمیری، بی تا: ۹۱)

او با اقتباس از حدیث فوق اصحاب پیامبر و در رأس آنان حضرت علی (ع)، را ستارگان آسمان هدایت و اعلام جاودان عزت معرفی می‌کند و به افرادی که در پذیرش ولایت علی (ع) دچار تردید شده‌اند، نهیب می‌زند تا آنان را آگاه سازد که امیرالمؤمنین امام و جانشین پیامبر است و دلیل می‌آورد که رسول خدا (ص) در روز غدیر خم و در حضور مردم، دستان او را به نشانه اعلام ولایت آن حضرت بالا برده است.

در اشعار زیر نیز شاعر با بیانی دیگر همین مضامین را متذکر شده است:

ولا أمّیح الودّ إلا علیّا	منحت الهوی المحض منی الوصیّا
إلی حبّه فأجبت النبیّا	دعانی النبی علیه السلام
و کنت لمولاه فیه ولیّا	فعدیبت فیه و والیته
فقال فأسمع صوتاً ندیا	أقام بخمّ بحیث الغدیر

ألا إذا متّ مولاكمُ فأفهمه العرب والأعجميّا

(همان: ۱۲۱)

حمیری در برخی از اشعار خود، پذیرش ولایت علی را عین هدایت و نپذیرفتن آن را عین ضلالت و گمراهی معرفی می‌کند:

إذا أنا لم أحفظ وصاة محمد و لا عهدہ يوم الغدير المؤکدا  
فإنی کمن یشری الضلالة بالهدی تنصّر من بعد الهدی أو تهودا

(همان: ۱۲۸)

از این قصیده ۲۵ بیت در دست است. ابوالفرج در /غانی آورده است که ابوخلال عتکی بر عقبه بن سالم وارد شد و سید در نزد عقبه بود. وی فرمان جایزه‌ای برای سید داد. ابوخلال، که شیخ و بزرگ قوم بود، به او گفت: ای امیر، این عطایا را به مردی می‌دهی که از لعن ابوبکر و عمر باک ندارد؟ عقبه گفت: من این را نمی‌دانستم و بخشش من جز به سبب خویشاوندی و مودت پیشین و رعایت حق همسایگی او نیست؛ علاوه بر این، او دل به مهر خاندانی بسته است که حق و جانب‌داری آنان بر ما لازم است. ابوخلال گفت: اگر او راست‌گو است، بگو ابوبکر و عمر را مدح کند تا براثت او را از نسبت تشییعی که به وی می‌دهند، بازشناسیم، عقبه گفت: او خود سخن تو را شنید و اگر بخواهد چنین می‌کند. سید گفت: آن‌گاه که من وصیت محمد و پیمان استوار او را در روز غدیر نگه ندارم ... سپس خشمناک از جا برخاست. ابوخلال به عقبه گفت: ای امیر، مرا از شر سید پناه ده، خدا تو را از هر شری پناه دهد، عقبه گفت: چنین کردم به شرط آن‌که تو نیز پس از این متعرض وی نشوی (اصفهانی، بی‌تا: ۲۶۲).

اشعار زیر برگرفته از حدیث پیامبر اکرم (ص) در ارتباط با علی (ع) است که فرمود: «إن علیاً هو أخی و هو وزیری و هو خلیفتی و هو المبلغ عنی» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸۶/۲۷). در این ارتباط احادیث بسیاری از پیامبر اکرم (ص) آمده است که اشعار شاعر نشان‌دهنده احاطه کامل وی بر آن‌هاست.

یوم قام النبى فى ظل دوح و الوری فی ودیقة صیخود  
رافعاً کفه بیمنی یدیة بائحاً باسمه بصوت مدید  
أیها المسلمون هذا خلیلی و وزیری و وارثی و عقیدی  
و ابن عمی ألا فمن کنت مولاة فهذا مولاة فارعوا عهدی

و علیّ منی بمنزلة هارون بن عمران من أخیه الودود

(حمیری، بی تا: ۱۵۴)

اشعار زیر آیینۀ انعکاس احادیث بسیاری است که به مواردی از آن‌ها در این پژوهش اشاره شده است و برای حسن ختام مطلب به حدیثی از خود امیر غدیر، امام علی (ع)، اشاره می‌کنیم که فرمود «أنا حجة الله و أنا خليفة الله و أنا صراط الله و أنا باب الله و أنا خازن علم الله» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹/۳۳۵) و حمیری نیز مبتکرانه مفهوم و نیز الفاظ این حدیث شریف را در اشعار زیر به کار گرفته است تا با قاطعیت بیش تری واقعه غدیر را به تصویر کشد:

أشهد بالله و آلائه	و المرء عما قاله يسأل
أن علی بن أبی طالب	خليفة الله الذی يعدل
و أنه قد كان من أحمد	كمثل هارون و لا مرسل
لكن وصی خازن عنده	علم من الله به يعمل
قد قام يوم الدوح خير الوری	بوجهه للناس يستقبل
و قال من قد كنت مولی له	فذاله مولی لكم مؤئل
لكن تواصلوا بعلی الهدی	أن لا یوالوه و أن یخذلوا

(حمیری، بی تا: ۸۰)

## نتیجه گیری

ادبیات هر ملت آیینۀ تمام‌نمای فرهنگ و عقاید آن ملت است. کلماتی که به‌عنوان ادبیات یک قوم بر جای می‌ماند، چه شفاهی و چه مکتوب، بیان‌گر عقایدی است که آن قوم با آن عقاید زیسته‌اند و آن را در قالب سخنانی برای نسل‌های بعد به یادگار گذاشته‌اند و حضور مسئله‌ای در ادبیات هر زمانی نشانه مطرح‌بودن آن است و غدیر در همه قرن‌ها در ادب و فرهنگ مردم حضور داشته و از موضوع‌هایی بوده است که شاعران و سرایندگان اندیشمند و چیره‌دست از مذاهب گوناگون، به‌ویژه شاعران شیعی، درباره آن قصیده‌هایی زیبا و دل‌انگیز سروده‌اند.

از عناصر اصلی شعر شیعی، تعهد و موضع‌گیری درمقابل ظلم و ستم است. سیدحمیری از جمله شعرای اهل بیت است که گرایش‌های سیاسی و عقیدتی در اشعارش هویداست. وی از ذوق و قریحه ناب خود بهره گرفته است و چکامه‌های زیبا و ماندگاری

در توصیف مقام شامخ و فضایل اخلاقی امام علی (ع)، به‌ویژه واقعه غدیر، از خود به یادگار گذاشته است. او در موارد متعددی از آیات قرآن کریم، که در شأن ایشان نازل شده، و احادیثی که رسول اکرم (ص) در منقبت امام فرموده اقتباس کرده است؛ چراکه قرآن کریم از آغاز نزول تاکنون به سبب و حیاتی بودن و نیز برخوردار بودن از جمال لفظی و معنوی و صف‌ناپذیر همواره الگوی بسیاری از شاعران و ادیبان بوده است. سیدحمیری نیز، که با فرهنگ و معارف اسلامی همدم بوده، به‌گونه‌ای بارز دست‌مایه هنرش را با آیات قرآنی غنایی خاص بخشیده است. شعر این شاعر بزرگ شیعی، شعری سرشار از واژه‌های دینی و قرآنی بوده و تجلی‌بخش بسیاری از مضامین اعتقادی و اخلاقی قرآن کریم و سنت نبوی است و بهترین شاهد و مصداق برای اثبات اثرپذیری شاعران عرب از قرآن کریم در همه ادوار به‌شمار می‌رود.

با نگاهی گذرا به ادبیات عرب، چه در عرصه شعر و چه در عرصه نثر، درمی‌یابیم که در میان وقایع اسلام، تنها واقعه غدیر است که از همان لحظات وقوع، قطعه شعری به‌عنوان سند دائمی ضمیمه آن است. شعر با وزن و قافیه‌ای که دارد مدرک ماندگاری در پرونده غدیر است که سینه‌به‌سینه حفظ شده و با توجه به اهمیت ادبی آن در کتاب‌ها ثبت شده است. *غدیریات* حمیری نیز در زمره بهترین اشعار سیدحمیری است. وی با بیت‌بیت این اشعار، حقانیت علی و خاندانش را یادآوری کرده و منکران آفتاب آسمان ولایت را به زانو درآورده است. او از جمله شعرای شیعی است که پاسخ‌گوی ندای فطرت خود بوده و واژه‌هایی را در اشعار خود به‌کار برده که بیان‌گر ایمان و عقیده راسخ اوست و تمام توانایی و استعداد شعری خویش را وقف به‌تصویرکشیدن واقعه غدیر و ستایش امام علی (ع) و دیگر اهل بیت کرده و به‌حق نیز در این مسیر موفق بوده است.

## منابع

قرآن کریم.

ابن اثیر، علی بن محمد (بی‌تا). *أسد الغابة*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی‌تا). *المناقب*، تهران: فردین.

ابن معتر، عبدالله بن محمد (۲۰۰۲ م). *طبقات الشعراء*، بیروت: دار مکتبه هلال.

اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین (بی‌تا). *اللاغانی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

امینی، علامه عبدالحسین (بی‌تا). *الغدیر*، تهران: حیدری.



- بحراني، سيدهاشم (١٤١٦ق). البرهان في تفسير القرآن، تهران: بنياد بعثت.
- حر عاملي، محمد بن حسن (١٤٠٩ق). وسائل الشيعة، قم: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث.
- حسين، طه (١٩٨٢م). من تاريخ الادب العربي، العصر العباسي الاول، بيروت: دارالعلم للملادين.
- حميري، سيداسماعيل (بي تا). ديوان السيد الحميري، بيروت: دار مكتبة الحياة.
- قمي، عباس (بي تا). سفينة البحار، تهران: مؤسسه انتشاراتي فراهاني.
- قمي، علي بن ابراهيم (١٣٦٧ش). تفسير قمي، قم: دارالكتاب.
- كليني، محمد بن يعقوب (١٣٦٥ش). الكافي، تهران: دارالكتب الاسلامية.
- اللكهنوي، هادي (٢٠٠٨م). الموجة الكوثريية في شرح الفصيحة الحميريية.
- مجلسي، محمدباقر (١٤٠٣ق). بحار الانوار، بيروت: دار احياء التراث العربي.
- المرزباني، محمد بن عمران (١٤١٣ق). اخبار الشعراء الشيعة، نجف: النعمان.
- المرزباني، محمد بن عمران (١٩٦٥م). اخبار السيد الحميري، تحقيق: محمد هادي الأميني، نجف: دارالباقر.
- موحد، حاج خليل (١٣٨٤ش). شرح قصيدة سيد حميري، قم: حضور.
- النباطي، علي بن يونس (١٣٨٤ش). الصراط المستقيم، نجف: المكتبة الحيدرية.

